

عنوان مقاله:

بررسی صحت یا بطلان شرط مجهول

محل انتشار:

ششمین کنفرانس ملی علوم انسانی و مطالعات مدیریت (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 15

نویسنده:

ناهید دایر - کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل خرمشهر

خلاصه مقاله:

شرط به عنوان یک نهاد وابسته به عقد از زمان های گذشته، نقش مهمی در روابط معاملاتی داشته است. در مورد شرط مجهول از سوی فقها نظریات گوناگونی ارائه گردیده که به اختصار بیان میگردد: برخی معتقدند: علت بطلان شرط مجهول آن است که شرط تعهدی ضمنی است که همانند عقد، مفاد آن مورد توافق متعهد و متعهد له قرار میگیرد و با قصد و رضای دو طرف ایجاد میشود و از این لحاظ واجد خصوصیات عقود است؛ لذا شرط صحیح باید دارای شرایط صحت معاملات نیز باشد. بنابراین با مبهم بودن مورد تعهد، یکی از ارکان صحت شرط مفقود است و در نتیجه شرط باطل است. به علاوه شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین میشود، عقد را باطل میکند؛ زیرا معلوم بودن عوضین از شرایط صحت عقد است و جهل به هر یک از عوضین موجب بطلان عقد خواهد شد. دستهای دیگر از فقها شرط مجهول را مطلقا باطل و مبطل دانسته، میان موردی که جهل به شرط موجب جهل به عوضین بشود با صورتی که موجب جهل به عوضین نشود تفاوتی قائل نیستند. آنان در مورد شرطی که جهل به آن باعث جهل به عوضین نمی شود معتقدند که در این فرض هم عقد باطل است؛ زیرا به عقیده آنان شرط ضمن عقد موجب تقیید عقد میشود، یعنی رضای طرفین عقد، مقید به شرط است و بنا بر این با انتفای قید، مقید نیز منتفی خواهد شد. به علاوه، گفته اند که شرط همواره در ثمن موثر است (لشروط قسط من الثمن) و در نتیجه، هر گونه جهالت در شرط، باعث فساد عقد خواهد شد. نظریه دیگر این است که چنانچه جهالت شرط به عوضین سرایت نکند، شرط فاسد است، ولی عقد باطل نمیشود و در این مورد به دلایلی استناد کرده اند؛ از جمله آنکه شرط ضمن عقد، عهد مستقلی است که در ضمن عقد اصلی درج شده است و در حقیقت، طرفین عقد با انعقاد آن، دو عهد را به عهده میگیرند؛ یکی عقد و دیگری عهد ضمن آنکه همان مفاد شرط است. بنابراین، فاسد و بی اثر شدن یکی از دو عهد، نمیتواند موجب فساد و بی اثر شدن دیگری شود. بر طبق نظر دیگر اصولا شرط مجهولی که موجب جهل به عوضین نباشد، فاسد نیست. پیروان این نظریه می گویند: آنچه مسلما به موجب ادله شرعی مورد نهی و منع قرار گرفته فقط بیع غرری است (نهی النبی عن بیع الغرر) و تعمیم و توسعه منع غرر به سایر موارد فاقد دلیل شرعی است. بنابراین شرطی که ضمن عقد بیع ملحوظ گردد و جهل به آن موجب جهل به عوضین شود، هم فاسد است و هم مفسد، زیرا بیع را غرری میسازد و در نتیجه مشمول ادله منع غرر میگردد، ولی در سایر موارد دلیلی بر بطلان وجود ندارد. اگر این اصل را بپذیریم که «لشروط قسط من الثمن»، به نظر میرسد همواره در بیع، بلکه در تمام عقود معاوضی، شرط مجهول موجب جهل به عوضین است و چنین نیست که در این گونه معاملات دو گونه شرط داشته باشیم که در مورد بعضی، جهل موجب جهل به عوضین بشود و در بعضی دیگر نشود که دسته اخیر را باید در عقود غیر معاوضی جستجو کرد، و دسته اول را در عقود معاوضی. پیروان نظریه نخستین در ارائه مثال و نمونه موردی که جهل به شرط موجب جهل به عوضین نشود در عقود معاوضی کاملا ناموفق بوده اند، چرا که با توجه به تأثیر وجود هرگونه شرط در ارزیابی مورد معامل ...

کلمات کلیدی:

شرط مجهول، شرط باطل، شرط مبطل

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1233776>



